

جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان‌های ایرانی (با تاکید بر گفتمان امام خمینی)

روح الله استاک*
مهرداد نوابخش**
یارمحمد قاسمی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل تفاوت هویت و جایگاه دال زن در گفتمان امام خمینی (ره) با گفتمان‌های پیشین در تاریخ ایران از عصر باستان تاکنون می‌باشد. جامعه آماری پژوهش متون تاریخی مربوط به هر دوره می‌باشد که به صورت هدفمند انتخاب شده و براساس نظریه گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موفه تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان داد که گفتمان باستان هیچ هویت و شان انسانی برای زنان قائل نبوده و زن را به مثابه اشیاء مایملک مردان تصور می‌کرد. گفتمان سنتی با استناد به تفاوت نظام طبیعی در خلقت، وضعیت فرودست زنان نسبت به مردان را توجیه می‌کرد. گفتمان مشروطه بر اندیشه برابری زن و مرد تاکید کرده و سنت و مذهب در ایران را عامل عقب‌ماندگی زنان می‌پنداشت. نگرش گفتمان پهلوی به جایگاه زن، نگرشی ابزاری بود و فرهنگ مردسالار این گفتمان مانعی جدی برای تحقق وضعیت آرمانی زنان محسوب می‌شد. در گفتمان امام خمینی (ره) بر هویت انسانی زنان و مردان تاکید شده و این گفتمان خواهان جایگاه برابر و متناسب برای زنان از فرصت‌های اجتماعی است.

کلید واژگان: هویت زن، گفتمان ایرانی، امام خمینی (ره).

* دانشجوی دکترا (جامعه‌شناسی)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: navabakhsh@srbiau.ac.ir).

*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری آقای روح الله استاک می‌باشد.

مقدمه

یکی از ضوابط برجسته‌ی تمدن و شایستگی ملتی با فرهنگ، چگونگی وضع اجتماعی و مقام زن در آن جامعه می‌باشد (قاسم نژاد و کوهستانی، ۱۳۹۵: ۲). بر این اساس، فهم دقیق این موضوع، بدون بررسی تاریخ آن و بازگشت به نقطه آغاز شکل‌گیری و پیدایی‌اش، امکان‌پذیر نیست. به باور لاکلا و موفه^۱ (۱۹۸۷، ترجمه رضایی، ۱۳۹۳). هیچ امری ناگهانی و لحظه‌ای نیست و برای هر امری می‌توان ریشه‌های درونی یافت. از این منظر هویت تاریخی و جایگاه دال شناور زن در ایران، برساخته گفتمان‌های تاریخ ایران است، زیرا هویت هر چیز در شبکه هویت‌های دیگری که با هم مفصل‌بندی شده‌اند، کسب می‌گردد و با تغییر گفتمان‌ها و تغییر مفصل‌بندی‌ها، هویت‌ها نیز تعریف جدیدی پیدا می‌کنند و مانند گفتمان‌ها، هرگز به تثبیت دائمی و قطعی نمی‌رسند. نزاع بین گفتمانی، همچنان نیروی پیش‌برنده تاریخ و زندگی سیاسی جوامع بشری است که نزاع بین گفتمان‌های باستان، سنت، مشروطه، پهلوی و امام خمینی (ره) در خصوص جایگاه و اهمیت دال شناور زن از این قاعده مستثنی نیست. به نظر می‌رسد برای فهم بهتر این موضوع توجه به متون حائز اهمیت باشد. متون هر دوره، حوادث سیاسی و اجتماعی جامعه را بازتاب می‌دهند، لذا بررسی و واکاوی متون تاریخی با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان، راهی مؤثر در تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی خواهد بود. این مقاله جهت نیل به این مقصود، روش تحلیل گفتمان را برگزیده است. تحلیل گفتمان که امروزه به گرایش بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی تبدیل شده است به معنی مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار است. یکی از نظریه‌های مطرح در حوزه تحلیل گفتمان را لاکلا و موفه (۱۹۸۷، ترجمه رضایی، ۱۳۹۳) ارائه کرده‌اند که از مزایای فراوانی برای تحلیل پدیده‌های سیاسی برخوردار می‌باشد. دلیل این مدعا کاربرد گسترده و فزاینده آن در علوم اجتماعی و خصوصاً علوم سیاسی است. آن چه که تحلیل گفتمانی آنان را از دیگر نظریه‌های گفتمان متمایز می‌کند تسری گفتمان از حوزه‌ی فرهنگ و فلسفه و زبان‌شناسی به حوزه سیاست و جامعه است. روش تحلیل گفتمان با ابزار مفهومی و نظری که ارائه می‌دهد بهتر از سایر رویکردها، توان تحلیل چگونگی فراز و فرود نظام اندیشه‌ای و ستیز نظام‌های اندیشه‌ای با همدیگر را داراست و در یک چهارچوب منسجم و با استفاده از مفاهیمی چون دال مرکزی، دال‌های کلیدی، دال شناور، مفصل‌بندی، غیریت‌سازی، طرد و برجسته‌سازی، هژمونی... توان توصیف و شناخت عناصر اصلی و غیر اصلی را دارد. بر این اساس با توجه به اینکه گفته می‌شود که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در وهله اول به مثابه انقلاب فرهنگی بود که با هدف اساسی احیای ارزشها، باورها و اعتقادات اسلام و ظهور آنها در نمادهای رفتاری و ساختاری جامعه اسلامی ایران به پیروزی رسید (پیکانی و محمدوند، ۱۳۹۶: ۲). پژوهش حاضر بر آن است که با برگزیدن نظریه و روش تحلیل گفتمان بر اساس خوانش لاکلا و موفه (۱۹۸۷، ترجمه رضایی، ۱۳۹۳) و تحلیل متون تاریخی در دوره‌های مختلف به بررسی تفاوت هویت و جایگاه دال زن در گفتمان امام خمینی (ره) با گفتمان‌های پیشین در تاریخ ایران پردازد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و نمونه‌گیری: پژوهش حاضر از نوع کیفی است و با روش کتابخانه‌ای

۱. Laclou & Mouffe

و بررسی مطالب و داده‌های تاریخی در متون ادبیات با روش توصیفی و تحلیلی انجام می‌گیرد. در این پژوهش سعی بر آن بوده که تمامی اطلاعات معتبری که در بررسی موضوع مؤثرند، جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گیرد.

روش اجرا

برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، در گام اول، مطالعه پیشینه بررسی شد و در گام دوم، مضامین از داده‌های تاریخی و کتب مرتبط با استفاده از فیش برداری متون، جمع‌آوری شد. ضمن اینکه در بررسی اندیشه امام خمینی (ره) در خصوص جایگاه و هویت زن، صحیفه ۲۲ جلدی امام خمینی (ره)، مطالعه و مطالب مرتبط جهت تحلیل انتخاب گردید.

نظریه و روش تحقیق

پژوهشگران برای مطالعه آثار مکتوب از روش‌های کمی و کیفی تحقیق بهره می‌گیرند. یکی از روش‌های کیفی که مورد توجه متخصصان و اندیشه‌ورزان قرار گرفته، تحلیل گفتمان است. در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه دیگر، صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار ندارد بلکه فراتر از آن، با عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و امثال آن سروکار دارد. بنابراین، تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه، متن و واحدهای زبانی) و عوامل بیرون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و موقعیتی) بررسی می‌کند (بشیر، ۱۳۹۱: ۵۹). به‌طور کلی، بحث درباره گفتمان را از دو بُعد می‌توان سامان داد: اول بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی و کاربرد آنها در سطح متن و دوم، رابطه بین اطلاعات زبانی و غیرزبانی مانند رابطه زبان و فرهنگ و اجتماع (بهرامپور، ۱۳۷۹: ۳). گفتمان، امروز بیان‌گر ویژگی‌های تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود، بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی، شکل‌دهنده ذهنیت و تعاملات سیاسی یا همان قدرت هستند. در نظر فوکو^۱ (۱۹۶۹)، ترجمه سرخوش و جهان‌دیده، ۱۳۹۲)، گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند، هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه خودشان سازنده موضوعات هستند و البته در فرآیند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌کنند (هادی، ۱۳۸۴: ۳۷). حال با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که بهترین شیوه برای تحلیل متن و مسائل مرتبط با فرامتن که می‌تواند شامل بسیاری از عوامل از قبیل سیاسی، فرهنگی، دینی و منعکس‌کننده معنای واقعی و کامل باشد، تحلیل گفتمان است که در این مقاله براساس خوانش لاکلا و موفه (۱۹۸۷)، ترجمه رضایی، ۱۳۹۳) سعی شده است معناهای نهفته در گفتمانهای ایرانی از دوره باستان تا عصر هژمون شدن گفتمان امام خمینی (ره) بررسی شود. لاکلا و موفه (۱۹۸۷)، ترجمه رضایی، ۱۳۹۳) استدلال می‌نمایند که فرض اصلی هر رویکرد گفتمانی این عقیده است که صرف امکان تصور، دریافت حسی، اندیشه و عمل به ساختمان شدن حوزه‌ی معنی‌داری بستگی دارد که پیش

۱. Foucault

از هر گونه بی‌واسطگی عینی حضور دارد. آنان بر این پندارند که همه‌ی ابژه‌ها و کنش‌ها معنا دارند و به طور تاریخی به وسیله‌ی نظام خاصی از قواعد به آنها معنا تخصیص داده شده است (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۵۲). نظریه گفتمان راهی که کردارهای اجتماعی به طور نظام‌مند، هویت سوژه‌ها و ابژه‌ها را با مفصل‌بندی مجموعه‌ای از عناصر دلالت‌گر امکانی و قابل دسترسی در یک قلمرو گفتمانی شکل می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌دهد. ایده‌ی کلی نظریه‌ی گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تمام و تکمیل نمی‌شوند. معنا هرگز به صورت نهایی تثبیت نمی‌شود و این راه را برای مبارزه اجتماعی دائمی در خصوص تعریف هویت و جامعه و در نتیجه پیامدهای اجتماعی باز می‌گذارد. وظیفه‌ی تحلیل گفتمان طراحی جریان این درگیری‌ها برای تثبیت معنا در همه‌ی سطوح اجتماعی است. لاکلا و موفه (۱۹۸۷)، ترجمه رضایی، (۱۳۹۳) نظریه خود را با ترکیب و تغییر دو سنت نظری عمده یعنی مارکسیسم و ساختارگرایی بنا کرده‌اند. مارکسیسم نقطه‌ی شروعی برای تفکر درباره‌ی اجتماع است و ساختارگرایی یک نظریه‌ی معنا را ارائه می‌دهد. آنان این سنتها را درون یک نظریه‌ی پسا ساختارگرایی که در آن تمامی عرصه‌ی اجتماعی به مثابه شبکه‌ای از فرایندهایی که درون آنها معنا ساخته می‌شود ترکیب می‌کنند.

نظریه گفتمان لاکلا و موفه (۱۹۸۷)، ترجمه رضایی، (۱۳۹۳)، معنا، سیاست و اجتماع را با هم ترکیب می‌کند و یک‌جا به تحلیل آنها می‌پردازد. از نظر لاکلا و موفه (۱۹۸۷)، ترجمه رضایی، (۱۳۹۳)، این مفصل‌بندی‌های سیاسی هستند که تعیین می‌کنند ما چگونه فکر و عمل کنیم. سیاست از نظر اینان معنایی عام دارد و به حالتی بازمی‌گردد که ما مداوماً به شیوه‌ی اجتماع را می‌سازیم که شیوه‌های دیگر را طرد می‌سازد (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۶۰). در رویکرد نظری گفتمان، لاکلا و موفه (۱۹۸۷) تمایزی میان ابعاد گفتمانی و غیرگفتمانی امر اجتماعی قائل نمی‌شوند. تمامی عمل‌ها، گفتمانی‌اند. این بدان معنا نیست که چیزی جز متن و حرف وجود ندارد بلکه به عکس، به این معنا است که خود گفتمان، امری مادی است و پدیده‌هایی همچون اقتصاد و دیگر نهادها، جزئی از گفتمان‌اند (لاکلا و موفه، ۱۹۸۷، ترجمه رضایی، ۱۳۹۳).

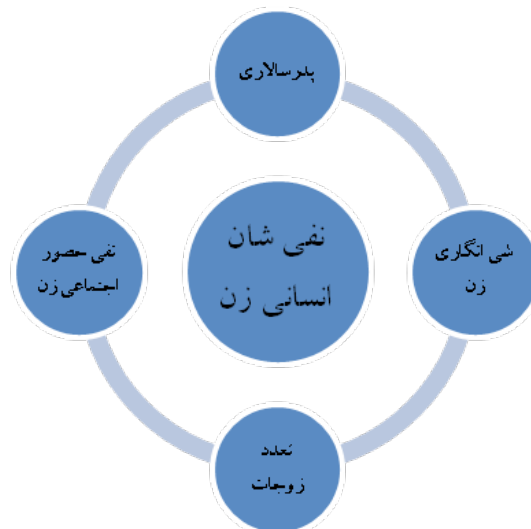
جدول ۱. ابزارهای تحلیلی لاکلا و موفه (۱۹۸۷)، ترجمه رضایی، (۱۳۹۳)

ابزارهای مفهومی	تعریف
عنصر	نشانه‌هایی که معانی چندگانه آن‌ها هنوز تثبیت نشده‌اند.
مفصل‌بندی	هر عملی که عناصر و نشانه‌های مجزا را در ارتباط قرار دهد.
دال مرکزی	نشانه‌هایی که سایر نشانه‌ها در اطراف آن مفصل‌بندی می‌شوند و نظام معنایی می‌یابند.
دال شناور	نشانه‌هایی که هنوز در یک گفتمان تثبیت نشده‌اند.
هژمونی	فرض نیروی هژمونیک در مواردی است که رابطه میان دالها برقرار شود. در چنین رابطه‌ای، عناصر هویت اولیه خود را از دست می‌دهند تا به عنوان جزئی از یک گستره معنایی به حساب آیند.
غیریت سازی	مفهوم غیریت سازی زمانی معنی می‌یابد که گفتمان‌ها به طرد و نفی یکدیگر می‌پردازند. غیریت سازی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت دارد. (۱) تثبیت مرز برای هر هویت گفتمانی (۲) تولید دیگر برای تاسیس مرز (۳) از جهت آزمودن غیریت سیاسی برای نشان دادن محتمل و مشروط بودن هویت
سوژه و هویت	از منظر گفتمان فرد به عنوان سوژه خودمختار پذیرفته نمی‌شود، بلکه هویت او از طریق بازنمایی در یک گفتمان و انتساب به یک موقعیت گفتمانی تحقق می‌یابد.

زن در گفتمان باستان

برخی از صاحب نظران بر این پندارند که در ایران باستان، زن مقام ارجمندی داشته است. شواهد اثبات این موضوع، فراوان است. مانند اوستا که در آن همه جا نام زن و مرد در یک ردیف ذکر شده است (قاسم نژاد و کوهستانی، ۱۳۹۵: ۴). در اوستا، اهرشونگک ایزدبانویی است که نماد توانگری و بخشش است. او آسایش و پیشرفت را به خانه ها می برد. در اوستا به صورت زنی درخشان، بسیار نیرومند، خوش اندام و آزاده نژاد توصیف شده است. این ایزدبانو بر زنان نفوذ دارد و زنانی که اشی یارشان باشد، سفیدبخت می شوند (سنجری و کارگر، ۱۳۹۵: ۷). اما بسیاری دیگر از محققان با آوردن شواهدی متقن بر وضعیت نامناسب جایگاه زنان در این برهه گواهی می دهند. ویل دورانت (۱۹۳۵)، ترجمه آرام و آریان پور، (۱۳۶۵) ضمن اشاره به عدم تساوی زن و مرد در ایران باستان می نویسد «پس از داریوش، مقام زن مخصوصا در میان طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از رفت و آمد در میان مردم بودند، آزادی حضور در خیابانها را برای خود حفظ کردند. در مورد زنان دیگر، گوشه نشینی، بویژه در زمان حیض که اجتناب ناپذیر بود، رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آنان را فرا گرفت. زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی، ولو پدر یا برادرشان را ببینند. در نقشهایی که از ایران باستان بر جای مانده هیچ تصویری از زن جز مواردی اندک در حال رقصهای مذهبی دیده نمی شود، البته کنیزکان آزادی بیشتری داشتند» (دورانت، ۱۹۳۵، ترجمه آرام و آریان پور، ۱۳۶۵). در هیچ یک از تصاویر و نقوش بازممانده از ایران زمان ساسانی، مجلس بزمی نیست که در آن، زنان نقشی چه به شکل نوازنده و یا خواننده و چه بصورت رقاصه نداشته باشد (شیخ الاسلامی، ۱۳۵۶: ۳۳). اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران باستان به شمار می رفت. عده زنانی که مرد می توانست داشته باشد، بستگی به استطاعت او داشت. ظاهرا مردان کم بضاعت، بطور کلی بیش از یک زن نداشتند. رئیس خانواده (کدخدا) از حق ریاست دودمان بهره مند بود. اهتمام در پاکی خون خانواده یکی از صفات بارز جامعه ایران در آن عهد بود. ازدواج با محارم نیز جایز شمرده می شد. تربیت طفل به عهده مادر بود و در صورت احتیاج، پدر طفل، خواهر یا دختر بزرگ خود را به تربیت او می گماشت. حق شوهر دادن دختران به عهده پدر بود و خود دختر در این زمینه حق اظهار نظر نداشت. ازدواج در جوانی صورت می گرفت. در پانزده سالگی معمولا دختران شوهر می کردند. وصلت با مداخله و پایمردی یک نفر صورت می گرفت. مهر را معین می کردند و اختیار تعیین شوهر و حق ازدواج دختر از آن پدر بود (راوندی، ۱۳۶۲: ۳۵). در جامعه پدرسالاری ایران باستان زن مقام اجتماعی والایی نداشت. زن در جامعه ساسانی دارای شخصیت حقوقی نبود و اختیار او در دست پدر و شوهر بود. زن حتی از حق انتخاب شوهر هم بهره نمی برد (نفیسی، ۱۳۶۶: ۳۰). زن، یعنی انسان و موجودی که صاحب حقی باشد، به شمار نمی رفت. بلکه چیزی بود برای تملک و از هر لحاظ تحت قیمومیت رئیس خانواده یعنی پدر و یا شوهر قرار داشت (نفیسی، ۱۳۶۶: ۴۲). اسارت زن تا آن پایه بود که مرد حق داشت زن خود را به طور موقت در اختیار مرد دیگری قرار دهد. شوهر می توانست زن خود را برای مدت معینی به مردی که پرستار کودک او بود و به زن نیاز داشت، به زنی بدهد و در این کار رضایت زن شرط نبود (راوندی، ۱۳۶۲: ۳۵). در ایران باستان حق تحصیل مخصوص شاهزادگان و اشراف بود و توده مردم حق

تحصیل و آموزش نداشتند. در چنان جامعه‌ای طبیعی بود که زنان طبقات متوسط به هیچ روی حق آموزش و تحصیل نداشته باشند و درس خواندن آرزویی باشد که آن را از مهد تا لحد در خاطره خود حفظ کنند.



شکل ۱. مفصل‌بندی هویت و جایگاه دال زن در گفتمان باستان

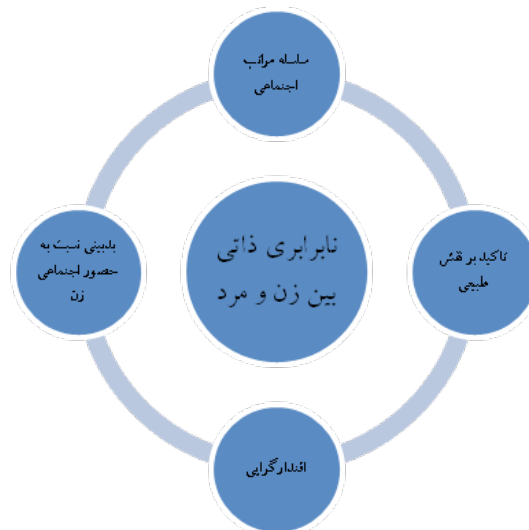
زن در گفتمان سنت

حیات فردی و اجتماعی جامعه ایران تا پیش از آشنایی جدی با تمدن مدرن غربی، بر اساس قواعد سنتی سامان می‌یافت که به عنوان ذخیره دانش متراکم نیاکان (فیرحی، ۱۳۷۸، ۳۸) به شکل آداب و رسوم و اغلب در آمیخته با باورهای مذهبی استمرار یافته و اموری محترم، مقدس و باثبات محسوب می‌شد (گولد و کولب، ۱۹۶۴، ترجمه از کیا، ۱۳۷۶). در گفتمان سنتی که حاصل آمیزش میراث تاریخی و دیدگاه خاصی از مذهب در جامعه ایران در قرون متمادی بود، نگرش به زن، مبتنی بر برتری و تفوق توانایی‌های زن به عنوان اموری طبیعی و مبتنی بر نظام آفرینش معرفی می‌شد. بر همین اساس، زنان به لحاظ ذهنی و جسمی موجوداتی پایین‌تر از مردان در نظر گرفته می‌شدند که این امر از تفاوت نظام طبیعی در خلقت زن و مرد نتیجه گرفته می‌شد (فوزی، ۱۳۸۷: ۴۸). به عنوان مثال در عصر صفوی، گسترش فعالیت زنان در عرصه اجتماع و علم آموزی با دیده تردید نگریسته می‌شده است. فعالیت‌های زنان به دلایل مختلف همچون نگرش جنسیتی و عدم خودباوری زنان در سطح بسیار نازلی قرار داشت (غضنفری و طباطبایی، ۱۳۹۶، ۲). گفتمان سنتی با تکیه بر نگرش‌های فوق، به تفسیری مضیق درباره حقوق اعطایی به زن از متون و منابع دینی می‌پرداخت و حضور اجتماعی زن نیز به صورتی بسیار محدود و کنترل شده مطرح می‌شد. به عبارتی دیگر، گفتمان سنتی وضعیت فرودست یا حداقل متفاوت زنان را با تکیه به طبیعت و نقش طبیعی آنها به عنوان مادر که وظیفه‌اش به وجود آوردن و تربیت فرزندان است و به عنوان همسر، کسی که باید از شوهرش اطاعت کند و دختر، فردی که باید از پدر و گاهی برادر اطاعت کند، توضیح می‌داد و از آموزه‌های دینی و عرفی برای توجیه آن استفاده می‌کرد (مشیرزاده، ۱۳۷۸، ۱۴). پیشینه معرفت‌شناسی گفتمان سنتی، نگاه منفی به زن است. زیرا او را عامل فتنه‌انگیزی و فساد در جامعه می‌پندارد. از این نگاه،

بین زن و مرد در کسب کمالات انسانی، تفاوت وجود دارد. این نگاه مسائل حقوقی و اجتماعی مربوط به زنان را نیز دربر می‌گرفت. در این گفتمان، جایگاه اصلی زن، اندرون یا سپهر خصوصی است و جایگاه مرد، بیرون یا سپهر عمومی است. ارکان مفهوم‌سازی زن از نگاه گفتمان سنتی به قرار زیر است:

- دوگانگی کامل قوای ظاهری یعنی جسمی و باطنی یعنی روحی بین زن و مرد
- قیومیت مردان بر زنان و اعتقاد به فروتری زنان
- تاکید بر نقش طبیعی زنان به عنوان مادر، همسر و دختر
- عدم جواز حکومت کردن و ورود آنان به مجلس
- تاکید بر خانه‌نشینی و بدبین بودن به حضور اجتماعی زنان
- حقوق متفاوت زن و مرد از نظر فردی و گروهی

در گفتمان سنتی، علی‌رغم قوانین روشن و جهت‌گیری انسانی تعالیم شریعت اسلام، نشانه‌ها حول دال مرکزی به‌نام نابرابری ذاتی بین زن و مرد مفصل‌بندی می‌شود. در این گفتمان که نابرابری در جایگاه دال مرکزی قرار گرفته، نشانه‌هایی چون اقتدارگرایی، سلسله مراتب اجتماعی، بدبینی نسبت به حضور اجتماعی، تاکید بر نقش طبیعی از جمله دال‌های شناوری هستند که با استناد به دال مرکزی در مورد نگاه به زن، معنادار می‌شوند (قوام و اسدی، ۱۶، ۱۳۹۳).

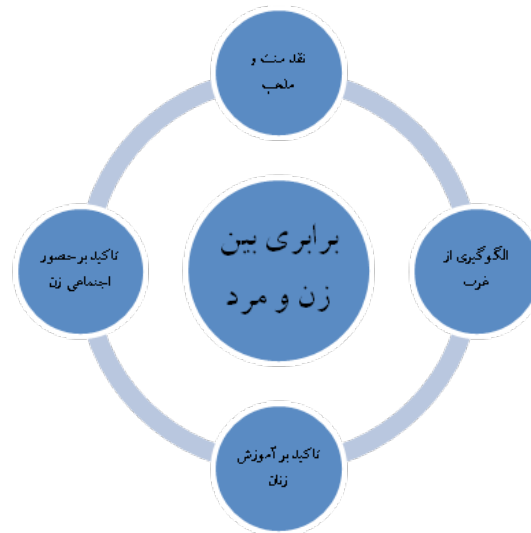


شکل ۲. مفصل‌بندی هویت و جایگاه دال زن در گفتمان سنت

زن در گفتمان مشروطه

در اواسط عصر قاجاریه بدلیل افزایش رفت و آمدهای خارجیان به ایران و آشنایی با شیوه رفتار و پوشش بانوان ایشان که همراه با شوهران خود، آزادانه به سفر می‌رفتند و با رفتن دانشجویان ایران به خارج از کشور و افزایش سفرهای شاه و درباریان به ممالک اروپایی و رد و بدل کردن نمایندگان سیاسی... اهمیت حضور زنان در جامعه به نحوی جدی‌تر عنوان شد. در این دوران، زنان اقشار متوسط و بالای

جامعه، علی‌رغم محدودیت‌های همه‌جانبه‌ای که داشتند از طریق شنیده‌ها و مطالعه جغرافیایی و تاریخی و سیاحت‌نامه‌های امم مختلفه و بعداً روزنامه‌های فارسی زبان با مدنیت جدید غرب آشنا شدند. از جمله نشریاتی که در این دوران با مدیریت بانوان ایرانی منتشر شد، می‌توان به نشریه دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه بانوان، عالم نسوان و جهان زنان اشارت داشت. در این نشریات، نمونه زن ایده‌آل اروپایی به عنوان چشم‌انداز، هدف‌گذاری می‌شد. از زمان انقلاب مشروطه به بعد، با تأثیرپذیری از اندیشه‌های مدرنیسم، گفتمانی شکل گرفت که بر اندیشه برابری براساس رد نظام طبیعی مبتنی بر تفاوت ساختار زن و مرد، استوار بود. این نظرگاه، نابرابری موجود در میان زن و مرد را ناشی از سازمان جامعه و نه از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان می‌دانست (ایبوت و والاس، ۱۹۹۱، ترجمه فارسانی و احمدی، ۱۳۷۶). در چنین فضایی، زنان برای نخستین بار در عصر مشروطیت دوگانگی طبیعت و فرهنگ در تفکر مردسالارانه را به چالش کشیدند. نامه‌ها و مکتوباتی که از زنان این عصر به جا مانده به خوبی نشان می‌دهد که آنان در حوزه‌ی نظر این مضامین را به نقد کشیده‌اند. در نامه طرفداران علم نساء مظلومان ایرانی به انجمن اتحادیه طلاب آمده است که آخر ما جماعت اناثیه مظلوم ایران مگر از نوع شما نبوده و در حقوق نوعیه با شما شریک نیستیم. مگر ما بیچارگان در ردیف انسان‌های عالم به شمار نمی‌آئیم و در جرگه‌ی حیوانات بی‌زبان بارکش باید محسوب شویم (فصیحی، ۱۳۸۹، ۱۱۹). زنان در نوشتجات عصر قجری که مقارن با انقلاب مشروطیت بود، می‌خواستند اثبات کنند که نخست آنان متعلق به نوع انسان‌اند. دوم اینکه در خلقت هیچ نقصانی ندارند و با مردان کاملاً برابرند و به همین دلیل باید از حقوق و امتیازات مساوی با مردان برخوردار باشند. زنان در این دوره برای نقد دوگانگی طبیعت و فرهنگ، پایه‌های نظری خود را در آیات و روایات جست‌وجو می‌کنند تا نشان دهند که محرومیت زنان از حوزه فرهنگ، نه حکم خدا و پیامبر، بلکه برساخته‌ی مردان و تفسیر خاص آن‌ها از دین بوده است. لایحه یکی از خواتین عنوان نامه‌ای است که نویسنده در آن، این سخن شیخ فضل‌الله نوری را که مدرسه‌ی علم برای نسوان را خلاف دین و مذهب دانسته بود به پرسش کشیده و از او جواب خواسته است که اگر این فرموده‌ی خداوند باشد که زنان هیچ علمی نیاموزند، معلوم کنید که این سخن در کجای کلام الله و احادیث آمده است. ثانیاً این بی‌تفاوتی خداوند نسبت به زنان از چه روست که آنان را به صورت انسان خلق کرده ولی کمال آن‌ها را از سیرت حیوانی به حقایق انسانی منع کرده و با وجود این بی‌حرمتی، چرا این همه تکلیف شاق برگردن آن‌ها نهاده؟ عبادت و تهذیب اخلاق و اطاعت شوهر و پدر را از آنان خواسته، درحالی که مردها را عزیز داشته و امتیاز تحصیل علم را به آن‌ها داده است. این عزت از چه روست و با این امتیاز، چرا آنان را مطیع کسی جز خدا قرار نداده و اگر فیض حق نسبت به همه یکسان است در مقابل این تکلیف شاق ما، چه امتیازی به ما داده که به مردها نداده است؟ (فصیحی، ۱۳۸۹، ۱۲۲).



شکل ۳. مفصل‌بندی هویت و جایگاه دال زن در گفتمان مشروطه

زن در گفتمان پهلوی

با روی کار آمدن رضاخان و تشکیل دولت مدرن و سیاست‌گذار در ایران است که زنان، به موضوعی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بدل می‌شوند. کشف حجاب، حذف پرده‌نشینی، تعلیم و تربیت زنان، تغییر لباس زنان، کار زنان و نظایر آن، تنها بخشی از سیاست‌گذاری‌های رضاخان برای تغییر وضعیت زنان در ایران است. نگرش رضاخان به مقوله زن، نگرشی ابزاری بود. رضاخان، زنان را به عنوان بخشی از جامعه که می‌بایست در توسعه‌ی مورد نظر او نقش ایفا کنند، مورد توجه قرار می‌داد. بنابراین تحول در وضعیت زنان تنها تا جایی ادامه و گسترش یافت که در چارچوب طرح فوق‌الذکر قرار داشت و لذا در این راستا، اعتقادی به مبانی نظری تجدد و برابری زن و مرد نداشت (ایبوت و والاس، ۱۹۹۱، ترجمه فارسانی و احمدی، ۱۳۷۶). در دوره‌ی پهلوی اول و به طور جدی‌تر، دوره پهلوی دوم با اعطای حق رای به زنان، تن زانان را با الگویی متجدد و از پیش طراحی شده به عرصه عمومی فرا خواند. لکن این مساله متأثر از گفتمان هژمونیک تجدد در سراسر کشور و عدم سازگاری آن با بستر فرهنگی، مذهبی و تاریخی جامعه از یک سو، و وجود محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه از سوی دیگر، تنظیمات مطرح شده از جانب این گفتمان را با بی‌اعتباری و مقاومت روبرو ساخت تا جایی که از دل همین گفتمان متجدد، گفتمانی برساخته شد که رقیب اصلی آن و عامل مهم در برافکنده شدن کل نظام سلطنتی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی شد. ساختار گفتمان پهلوی، پیش از تعارضات بیرون از ساحت گفتمانی، از تعارضاتی در درون رنج می‌برد. از حیث درونی این گفتمان با ساختار پدرسالارانه حاکمیت پهلوی سازگاری نداشت. منتقدان آن روزگار از منظر همان دال‌های شناور مشارکت عامه و توسعه، نظام پهلوی را به یک نظام دیکتاتوری متهم می‌کردند. جالب است که حتی خود پهلوی دوم نیز به گفتمان‌نش و اهمیت زنان به عنوان مؤلفه مهم توسعه در کشور اعتقادی نداشت (سراج‌زاده، کاشی و هلالی ستوده، ۱۳۹۱: ۳۵). گفتمان پهلوی، گفتمانی است که وفاداری چندانی به مبادی فکری و اندیشه‌های لیبرال فمینیسم به عنوان عمده‌ترین

جریان تاثیر گذار بر فعالیتهای زنان در این دوره نداشته است. لذا عمدتاً تلاش‌های حکومت پهلوی در مورد زنان، نمایش بود و سازمان‌های زنان توسط دولت به این دلیل تاسیس شد تا از طریق آن، دولت خود را به صورت قهرمان حقوق زنان جلوه دهد و از ظهور جنبش‌های مستقل زنان از دولت که می‌توانند درخواست‌های حاد و جدی داشته باشند، جلوگیری کنند. در نتیجه، دفاع از حضور اجتماعی زنان در این دوران، به حضور زنان در عرصه‌های تبلیغات کالاهای وارداتی و مسائل خاص محدود شد (کار، ۱۳۷۹: ۴۱). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اقدامات انجام شده در عصر پهلوی اول و دوم را حول سه محور کلی تفکیک کرد. (۱) تشویق به حضور هر چه بیشتر زنان بی‌حجاب در اجتماع به عنوان مشخصه‌ی مدرن شدن کشور. (۲) ایجاد امکاناتی برای تسهیل دسترسی زنان به آموزش جدید با هدف بهبود چشم‌اندازهای تربیتی نسل آینده. (۳) حفظ وضعیت مردسالاری در خانواده و اجتماع (ساناساریان^۱، ۱۹۸۲، ترجمه احمدی خراسانی، ۱۳۸۴). که با دو سیاست پیشین در تناقض بود. این اقدامات، مقدمه‌ای برای قرار گرفتن زن ایرانی در موقعیت برزخی بود. چرا که فرهنگ مردسالار جامعه مانعی برای تحقق وضعیت آرمانی زنان محسوب می‌شد.



شکل ۴. مفصل‌بندی هویت و جایگاه دال زن در گفتمان پهلوی

زن در گفتمان امام خمینی (ره)

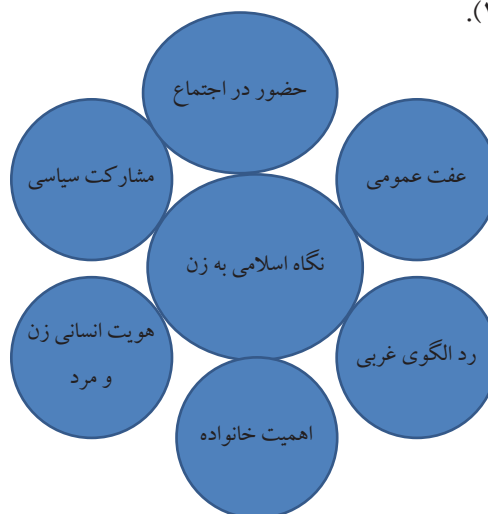
دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص هویت و جایگاه دال زن، متناسب با منطق موقعیت و شرایط روز جامعه دچار تغییر و تحول شده است. این تحول در چهار مقطع زمانی مشخص قابل مطالعه و بررسی است. اولین مقطع را می‌توان به دوره‌ای اختصاص داد که امام خمینی (ره) به عنوان طلبه یا استاد در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل یا تدریس بوده است و هنوز وارد مبارزه با حکومت پهلوی نشده است. امام خمینی (ره) در این دوران به سان سایر علما، منتقد سیاستهای ضداسلامی رضاخان بوده است. هر چند که به دلیل قدرت رضاخان و همراهی برخی روشنفکران و نیز حمایت کشورهای خارجی در برهه‌ی طولانی از حکومت پهلوی اول و نیز ضعف ساختاری نهاد تازه تاسیس حوزه علمیه قم، روحانیون توان مبارزه عینی و عملی با

۱. Sanasarian

وی نداشتند. مرحله دوم زمانی است که به عنوان مرجع تقلید وارد فاز مبارزه با حکومت پهلوی دوم شده است و به خاطر همین مبارزات از کشور تبعید گردیده است. این دوره که مقارن با سالهای بین ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۶ هجری خورشیدی می‌باشد، دوران تحکیم و تثبیت و قدرت‌نمایی پهلوی دوم است. محمدرضا پهلوی در این دوران براساس درک خویش از نوسازی، دست به یک رشته اقدامات زد تا به پندار خویش، ایران را از یک جامعه نیمه کشاورزی به کشوری مدرن، صنعتی و متمدن تبدیل کند. شاید بتوان غربی شدن را همه‌ی آن چیزی دانست که شاه برای جامعه خود و برای زنان در دوره مورد اشاره، مدنظر داشت (حافظیان، ۱۳۸۰: ۷۳). امام خمینی (ره) در این دوران، ورود زنان را به ادارات، مطابق سیاست‌هایی که رژیم اعمال می‌کرد، مفسده‌آمیز و مخل روند فعالیت‌ها می‌دانست، چرا که به عینه هدف از ورود زنان در برخی مشاغل خدماتی و خاص را نه خدمت به زنان، بلکه در راستای فشل شدن امور تلقی می‌کرد. ایشان طی اظهاراتی خطاب به وعاظ و گویندگان مذهبی چنین می‌گوید «از دخالت زن‌ها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بی‌شمار است ابراز انزجار و دین خدا را یاری کنید» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۳۰). مرحله سوم، زمانی است که قیام عمومی به رهبری ایشان علیه نظام پهلوی همه‌گیر شده که آن را می‌توان مقارن سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ قلمداد کرد. در این مرحله، امام خمینی (ره) که طی دوران گذشته به دلیل وضعیت حاکم و سیاست‌هایی که توسط رژیم اعمال می‌شد، نسبت به حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی ابراز تردید و نگرانی می‌کردند. در این دوران، خود مشوق ورود زنان به اجتماع و به دست گرفتن مقدرات خود می‌شدند. ایشان تاکید می‌کردند که «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رای دادن، حق رای گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد زن هم حق دارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۵، ۱۸۹). امام خمینی (ره) در این دوره بارها شبهاتی که در زمینه محدود شدن زنان در یک نظام اسلامی وجود داشت، بر این امر پافشاری می‌کند که زنان نیز مثل مردان در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند (کدیور، ۱۳۸۷، ۷۲). ایشان در این دوران از حضرت فاطمه (س) به عنوان انسان ملکوتی که جامع همه کمالات انسانی و صفات انبیا است یاد کردند (بهلولی و علی یار، ۱۳۹۳، ۶). که میبایست الگوی تمام عیار زنان ایران باشد. در چنین فضایی و با فراگیر شدن گفتمان امام خمینی (ره)، دال حجاب که در گفتمان پهلوی، نشانه عقب‌ماندگی بود، رنگ و بوی ارزشی پیدا کرد. لذا در این مرحله شاهد برگزیده شدن حجاب به عنوان ابزار مبارزه توسط زنان با گرایش‌های مختلف فکری هستیم. برخی حجاب را بدین خاطر پذیرفتند که اعتراض خود را نسبت به تبدیل شدن زنان به اشیای جنسی نشان دهند و دیگر زنان نیز، حجاب را به عنوان وظیفه‌ای مذهبی مورد استفاده قرار دادند. به هر حال، معنای کلی حجاب در حال تغییر بود. فضای گفتمانی جدید باعث شد که میلیون‌ها زن ایرانی با شادمانی از پشت چهار دیواری خانه به صحنه‌ی عمومی گام نهند. مرحله چهارم نیز زمانی است که انقلاب به پیروزی رسیده و امام خمینی (ره) به عنوان رهبر نظام جدید پذیرفته شده است. در این مرحله که امام خمینی (ره) به دنبال هژمونی بلامنازع گفتمان خویش است بر حضور زنان در همه‌ی عرصه‌ها تاکید دارد. «اسلام، زن را مثل مرد در همه‌ی شئون دخالت می‌دهد. از این رو اعلام می‌کنم این خرابه‌ای که برای ما باقی گذاشته‌اند باید به دست همه ملت ایران، چه مردان و چه زنان ساخته شود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۶، ۳۰۱). در این دوره تاکید امام خمینی (ره) بر ضرورت حضور زنان در سیاست و مقایسه‌ای است که ایشان به دخالت زنان و روحانیون در امر سیاست دارند. «زنان حق دارند در سیاست دخالت بکنند. تکلیف‌شان است. روحانیون هم

حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست. دین اسلام یک دین سیاسی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۱۵). امام خمینی (ره) در گفتمان خویش علاوه بر حمله به گفتمان شبه مدرن پهلوی به صورت غیرمستقیم، مبانی نظری و معرفت‌شناسی گفتمان سنتی نسبت به زنان را نیز مورد انتقاد قرار می‌داد. ویژگی اصلی گفتمان امام خمینی (ره) بر این اساس قرار داشت که هر چند نظام طبیعی در خلقت زن و مرد با یکدیگر متفاوت است، اما از این تفاوت‌ها نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت، بلکه باید گفت که هر دو دارای هویت انسانی می‌باشند و دارا بودن هویت انسانی می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصت‌های اجتماعی فراهم آورد و تفاوت‌های طبیعی مذکور تنها می‌تواند برخی استعدادها را خاص در هر دو جنس را مشخص کند. امام خمینی (ره) بر این پندار است که «از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست. زیرا که هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله در بعضی از موارد، تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط دارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۴، ۳۶۴). گفتمان امام خمینی (ره) از یک‌سو در مقابل دیدگاه سنتی بر برابری انسانی زن و مرد تاکید داشت و از سوی دیگر در مقابل دیدگاه شبه مدرن پهلوی با واقع‌گرایی، برخی تفاوت‌های خاص زن و مرد را مدنظر قرار می‌داد. این نوع تغییر نگاه به زن، پیامدهای سیاسی-اجتماعی خاص خود را به دنبال داشت، بطوری که گفتمان امام خمینی (ره) خواستار برابری فرصت‌ها و امکانات برابر برای زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی گردید و تلاش نمود تا موانع استفاده از این فرصت‌ها را در عرصه‌های حقوقی و فقهی برطرف نماید. بر این اساس باید اشارت داشت که گفتمان امام خمینی (ره) در خصوص زنان، گفتمانی است که هم با شرایط متجدد و هم با باورها و بنیادهای ریشه‌دار مذهبی و فرهنگی پیرامون زنان سازگار است. در سپهر این گفتمان، جامعه‌ای به تصویر کشیده می‌شود که در آن، زن از محدودیت‌های تن به واسطه تاکید بر وجه انسانیت خارج شده، آزادانه و مسئولانه در عرصه عمومی و خصوصی به ایفای نقش می‌پردازد. امام خمینی (ره) زن را از زوایای پنهان تاریخ و حضور مبهم و کم‌رنگ آن در ناخودآگاه جامعه به صحنه‌ی خود آگاهی و فعال رساند. رویکرد ایشان به مقوله‌ی زن دارای دو بعد است. ایشان در یک بعد تبیینی و تفسیری به فروافکنی دیدگاه‌های نادرست نسبت به زن پرداخته و جایگاه زن را در تفکر اصلاحی خویش معین ساخته و در بعد دوم، ساختار اجرایی، تربیتی و تهذیبی مناسب با شخصیت زن را ارائه نمودند. ایشان در مبحث کلامی، به پرتو قرآن کریم، زن را هم‌چون مرد در پیشگاه خلقت دانسته‌اند. از نظر ایشان زن و مرد هر دو انسان هستند و هر دو توان رسیدن به بالاترین مراحل رشد و کمال را دارند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰: ۱۶۹) امام خمینی (ره) در تبیین حدود جایگاه اجتماعی زن در یک نظام ایده‌آل می‌گویند «در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه‌ی اسلامی داشته باشد. ولی نه به صورت یک شیء، نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰: ۱۶۹) بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که طرح موضوع عفت عمومی و حفظ آن، شرط اساسی است که مفهوم مشارکت اجتماعی را در گفتمان امام خمینی (ره) به عنوان مهمترین تدوین‌گر گفتمان انقلاب اسلامی از مفهوم همین واژه در گفتمان مدرنیزاسیون متمایز می‌کند و در عمل نیز چنین مفهومی از مشارکت اجتماعی زنان پس از انقلاب، مشروط به حفظ حجاب و شئونات مذهبی در اشکال متنوع خود شد. نکته مهم در گفتمان امام خمینی (ره) که در کنار دال‌هایی چون هویت

انسانی برابر و جایگاه برابر در فرصت‌ها برای زنان و مردان و مشارکت اجتماعی حائز اهمیت و در واقع مکمل آن‌ها است، توجه به نهاد خانواده می‌باشد. «در طول این سلطنت، این‌ها کوشش کردند که مادران را از بچه‌ها جدا کنند، به مادرها تزیین کردند که بچه‌داری چیزی نیست، شما توی ادارات بیاید و این‌ها بچه‌های معصوم را جدا کردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی و غیر رحیم آن‌ها را به تربیت فاسد تربیت می‌کردند. بچه‌ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد عقده پیدا می‌کند، عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود. بسیاری از قتل‌هایی که واقع می‌شود، از روی همین عقده‌هایی است که پیدا می‌شود و بسیاری از عقیده‌ها از این پیدا می‌شود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۶، ۱۳۶). لذا نقش و جایگاه مهم دیگری که در کلام امام خمینی (ره) برای زنان ترسیم می‌شود، انسان‌سازی و تربیت افراد جامعه است. «نقش زن در جامعه، بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر خود، که یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، از خدمت همه کس بالاتر است؛ این امری است که انبیا میخواستند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ۱۹۷).



شکل ۵. مفصل‌بندی هویت و جایگاه دال زن در گفتمان امام خمینی

بحث و نتیجه‌گیری

تاریخ ایران از آغاز تا کنون همواره عرصه جدال بین گفتمان‌های مختلف بوده که موضوع هویت، جایگاه و حقوق زنان از این قاعده مستثنی نبوده است. گفتمان باستان هیچ هویت و شان انسانی برای زن قائل نبود و زن را به مثابه اشیاء مایملک مردان فرض می‌کرد. در جامعه پدرسالار باستان، زن هیچ شخصیت حقوقی نداشت و کاملاً تحت قیمیت رئیس خانواده یعنی پدر یا شوهر قرار داشت. گفتمان سنت با استناد به تفاوت نظام طبیعی در خلقت، زن را به پستوی خانه راهنمایی کرده بود. گفتمان سنتی وضعیت فرودست یا حداقل متفاوت زنان را با تکیه به طبیعت و نقش طبیعی آنها به عنوان مادر که وظیفه‌اش به وجود آوردن و تربیت فرزندان است و به عنوان همسر، کسی که باید از شوهرش اطاعت کند و دختر، فردی که باید از پدر و گاهی برادر اطاعت کند، توضیح می‌داد و از آموزه‌های دینی و عرفی برای توجیه آن استفاده

می‌کرد. در گفت‌وگو مشروطه که متأثر از اندیشه مدرنیته در غرب بود، نمونه زن ایده‌آل اروپایی به عنوان چشم‌انداز هدف گذاری شده بود و بر اندیشه برابری براساس رد نظام طبیعی مبتنی بر تفاوت ساختار زن و مرد و نقد سنت و مذهب که عامل عقب‌ماندگی زنان تصور می‌شد، استوار بود. برخی از صاحب‌نظران در توضیح چرایی عدم موفقیت زنان ایرانی به سان جوامع اروپایی در آن مقطع و حتی بعد از آن در رسیدن به خواسته‌هایشان بر این باورند که تاریخ برآمدن تجدد در غرب حاکی از آن است که جامعه سنتی در آن زمان دچار گسست‌های درون‌زای معرفتی شده بود تا راه را بر گفت‌وگو مدرن بگشاید. اندیشه تجدد واجد چند مفهوم اساسی از قبیل عقل‌گرایی، پرسش‌گری، انسان‌گرایی، فردگرایی، آزادی، برابری و میل به پیشرفت بود. در جامعه ایران مقارن اواخر قاجار چنین گسست‌های درون‌زایی دیده نمی‌شد بلکه خواست تغییر و دگرگونی، وجهی اراده‌گرایانه داشت. نگرش گفت‌وگو پهلوی به مقوله زن، نگرشی ابزاری بود و از تعارض درونی رنج می‌برد، چرا که فرهنگ مردسالار این گفت‌وگو، مانعی جدی برای تحقق وضعیت آرمانی زنان محسوب می‌شد. مبارزه و نفی مذهب و فرهنگ اسلامی و ترویج فرهنگ شبه‌مدرن که عناصر اصلی مدرنیته را نیز به همراه نداشت و تنها بدن‌بال‌نمایشی از اعطای حقوق برابر به زنان بود، جان کلام گفت‌وگو پهلوی به شمار می‌آمد. گفت‌وگو امام خمینی (ره) ضمن رد نگاه شی‌انگارانه به دال زن در گفت‌وگوهای مشروطه و پهلوی که متأثر از اندیشه مدرنیته بوده است به صورت مستقیم و غیرمستقیم مبنای نظری و معرفت‌شناسی گفت‌وگو سنتی نسبت به زنان را مورد انتقاد قرار داده است. ویژگی اصلی گفت‌وگو امام خمینی (ره) بر این اساس قرار داشت که هرچند نظام طبیعی در خلقت زن و مرد با یکدیگر متفاوت است، اما از این تفاوت‌ها نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت، بلکه باید گفت که هر دو دارای هویت انسانی می‌باشند و دارا بودن هویت انسانی می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصت‌های اجتماعی فراهم آورد. امام خمینی (ره) زن را از زوایای پنهان تاریخ و حضور مبهم و کم‌رنگ آن در ناخودآگاه جامعه به صحنه‌ی خود آگاهی و فعال رساند. رویکرد ایشان به مقوله‌ی زن دارای دو بعد است. ایشان در یک بعد تبیینی و تفسیری به فروافکنی دیدگاه‌های نادرست نسبت به زن پرداخته و جایگاه زن را در تفکر اصلاحی خویش معین ساخته و در بعد دوم، ساختار اجرایی، تربیتی و تهذیبی مناسب با شخصیت زن را ارائه نمودند.

منابع

- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۹۰). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ایبوت، پاملا، والاس، مکر. (۱۹۹۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی. ترجمه مریم فراسانی و حمید احمدی، (۱۳۷۶). تهران: دنیای مادر.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۱). قرائتی با تحلیل گفت‌وگو. تهران: انتشارات سیمای شرق.
- بهرامپور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفت‌وگو. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- بهلولی، اکرم، علی یار، حسین. (۱۳۹۳). سیمای حضرت فاطمه الزهرا (س) از دیدگاه عرفانی امام خمینی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال ششم، شماره ۲۱، ۹-۲۹.

- پیکانی، مهربان هادی، محمدوند، نازنین. (۱۳۹۶). تحلیل سیاستهای فرهنگی پوشش زنان، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال هشتم، شماره ۳۲، ۹۳-۱۰۹.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۸۰). زنان و انقلاب، تهران: اندیشه برتر.
- دورانت، ویل. (۱۹۳۵). تاریخ تمدن. ج ۱. ترجمه احمد آرام و امیرحسین آریانپور. (۱۳۶۵). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۶۲). زندگی ایرانیان در خلال روزگاران، تهران: زوار.
- سانساریان، الیز. (۱۹۸۲). جنبش حقوق زنان در ایران. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. (۱۳۸۷). تهران: نشر اختران.
- سراجزاده، حسین، غلامرضا کاشی، محمدجواد، هلالی ستوده، مینا. (۱۳۹۱). گفتمان جامعه پاک، شالوده شکنی سیاست نمایش بدن زنانه در دوره پهلوی. فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال هشتم، شماره ۲۶، ۲۷-۵۱.
- سنجرى، سیده سعیده، کارگر، مهدی. (۱۳۹۵). واکاوی فرهنگی متون کهن پیرامون انتخاب نام زنان. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۰۳-۱۱۹.
- شیخالاسلامی، پری. (۱۳۵۶). زن در ایران و جهان، تهران: بی‌نا.
- غضنفری، فاطمه صغری، طباطبایی، زهره. (۱۳۹۶). جایگاه زن و موسیقی در عصر صفوی و بازنمود آن در نگاره های شاهنامه شاه تهماسبی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال هشتم، شماره ۳۱، ۵۷-۷۴.
- فصیحی، سیمین. (۱۳۸۹). از خلوت خانه تا عرصه اجتماعی. فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال بیستم، شماره ۸، ۹-۳۱.
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۷). زنان و حکومت دینی در ایران، پژوهشنامه متین، شماره ۳۹، ۴۷-۶۰.
- فوکو، میشل. (۱۹۶۹). مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. (۱۳۸۷). تهران: نشر نی.
- فیرحی، داوود. (۱۳۷۸). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.
- قاسم نژاد، مریم، کوهستانی، حسین. (۱۳۹۵). نقش و جایگاه اجتماعی زنان دوره پارتی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۱۳-۱۲۳.
- قجری، حسینعلی، نظری، جواد. (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- قوام، سید عبدالعلی، اسدی، مشکات. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جایگاه زن در گفتمان‌های مختلف تاریخ معاصر ایران. فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، سال نهم، شماره ۲۳، ۹-۳۹.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۹). زن و مشارکت سیاسی، موانع و امکانات. تهران، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.
- کدیور، جمیله. (۱۳۸۷). بررسی گفتمان امام خمینی در مورد زنان. پژوهشنامه متین، شماره ۳۹، ۶۰-۷۶.
- گولد، جولیس، کولب، ویلیام. (۱۹۶۴). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه مصطفی از کیا. (۱۳۷۶). تهران، مازیار.

-
- لاکلا، ارنستو، موفه، سنتال. (۱۹۸۷). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی. ترجمه محمد رضایی. (۱۳۹۳). تهران، ثالث.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۸). از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران، نشر شیراز.
- نفیسی، سعید. (۱۳۶۶). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، تهران، نشر بنیاد.
- هادی، محمد. (۱۳۸۴). تحلیل انتقادی گفتمان. روزنامه شرق، مورخه ۸/۷/۱۳۸۴.

The Status Of Woman In The Controversy Of Iranian Discourses (Emphasize On Discourse Of Imam Khomeini)

*R. Stack

**M. Navabakhsh

***Y. Ghasemi

Abstract

According to discourse theory, the world is the product of competition between different discourses. So the controversy between discourses is the driving force of history and political life of human societies and the rivalry between ancient, traditional, constitutional, Pahlavi, and Imam Khomeini's discourse about women signifiers is not exception of this law. This article, by adopting the theory and method of analyzing of discourse seeks to answer this question: what is the difference between the identity and position of the woman signifier in the discourse of Imam Khomeini with previous discourses in Iranian history? It is assumed that the discourse of Imam Khomeini, in contrast to previous discourses that have neglected either attention to religion or human beings mean and express women based on a universal identity consistent with Islamic-Iranian culture. The results of the analysis show that Imam Khomeini, while rejecting the schematic view of women in the Constitutional and Pahlavi discourses that influenced by the thought of modernity, directly and indirectly criticized the theoretical principle of traditional discourse about inequality between men and women and attempts to explain the humanity position of woman and equality of her right based on time-compatible understanding from the religion.

Keywords: Female identity, Iranian discourse, Imam Khomeini

*The present article is based on the Mr. Rohola Stack PhD dissertation

** Ph.D. cultural sociology student, Department of Sociology, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*** Professor of Sociology, Faculty of Humanities, , Department of Sociology, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author, email: navabakhsh@srbiau.ac.ir)

****Associate Professor of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University